

برگشت به بحث:

تا کنون گفتیم:

۱. درباره رجوع قید و شرط به هیأت تا کنون دو اشکال مطرح شده بود (اولاً: معنای حرفی جزئی است و قابل تقييد نيست ثانياً: معنای حرفی لحاظ مستقل ندارد و قابل تقييد نيست). این دو اشکال را پاسخ گفتیم.
 ۲. ضابطه رجوع قید به ماده یا هیأت از دیدگاه شیخ انصاری، مرحوم عراقی و مرحوم امام مطرح گردید.
- اشکال سوم بر رجوع شرط به هیأت:

مرحوم آخوند در ذیل دلیلی که در رد کلام مرحوم شیخ انصاری مطرح کرده است به یک «إن قلت» اشاره می‌کنند که می‌تواند به عنوان اشکال مستقلاً در رجوع قید به هیأت مطرح شود. ایشان می‌نویسد:

«إن قلت علی ذلک یلزم تفکیک الإنشاء من المنشأ حیث لا طلب قبل حصول الشرط.

قلت المنشأ إذا كان هو الطلب علی تقدیر حصوله فلا بد أن لا یكون قبل حصوله طلب و بعث و إلا لتخلف عن إنشائه و إنشاء أمر علی تقدیر كالإخبار به بمكان من الإمكان كما یشهد به الوجدان فتأمل جيداً.»^۱

توضیح:

۱. اگر گفتید شرط به هیأت بر می‌گردد:
۲. لازم می‌آید انشاء (ایجاب) حاصل شود ولی منشأ (وجوب) حاصل نشود [در حالیکه ایجاب و وجوب، دو لحاظ از یک شیء هستند]
۳. قلت: آنچه منشأ است، «طلب علی تقدیر حصول شرط» است و در نتیجه قبل از حصول شرط، طلبی در کار نیست.
۴. و اساساً اگر غیر از این باشد، غلط است. (کما اینکه در خبر هم همین است یعنی وقتی می‌گوئیم: اگر بیایی می‌آیم خبر از آمدن معلق داده‌ایم)
۵. فتأمل: یعنی ایجاب و وجوب از امور اعتباری است و هر جور خواستیم آن را اعتبار می‌کنیم. (و مثل ایجاد و وجود نیستند)

ما می‌گوئیم:

تحلیل و بررسی این اشکال مبتنی بر بررسی یک نکته دیگر است که باید آن را ابتدا تبیین نماییم.

۱. کفایة الأصول (طبع آل البیت)، ص. ۹۷.



بحث: آیا فعلیت وجوب بر تحقق شرط متوقف است؟

مرحوم عراقی درباره این سوال می‌نویسد:

«هل الإرادة تتعلق بالمراد على تقدير خاص عند حصول ذلك التقدير و تحققه في الخارج بنحو لا يكون ذلك الفعل مرادا قبل تحقق ذلك التقدير او ان الإرادة تتعلق به فعلا و لكن على تقدير حصول امر خاص.»^۱

توضیح:

۱. آیا در واجب مشروط، إرادة تنها در فرض تحقق شرط (تقدير خاص) موجود است و یا إرادة قبل از تحقق شرط به صورت بالفعل موجود است ولی تحقق شرط در آینده به نحو شرط متأخر در آن دخیل است.
۲. [یعنی آیا إرادة بعد از تحقق شرط پدید می‌آید یا إرادة از الآن هست و در حقیقت آنچه شرط واقعی است، لحاظ شرط است، پس شرط به نحو شرط متأخر است.]

مرحوم عراقی در توضیح مطلب خود بحث را ابتدا در مرحله ثبوت مطرح کرده و سپس به مرحله اثبات می‌کشد:

«و تحقیق المقام يتوقف على تنقيح الكلام في مرحلة الثبوت ثم في مرحلة الاثبات (اما في مرحلة الثبوت) فيحتاج الى تمهيد مقدمات (الاولى) قد اشرنا الى ان حقيقة الحكم هي الإرادة التشريعية التي يظهرها المرید باحد مظهراتها من القول او الفعل و لا يخفى ان الحكم بهذا المعنى لا يعقل ان يتحقق في الخارج بسبب مصلحة كامنة فيه بل لا بد ان يكون الداعى الى ايجاده هي المصلحة التي يشتمل عليها متعلقه و كذلك ايضا مبادئ الحكم المزبور من التصور و الرغبة و العزم فانها لا يعقل ان تنشأ في النفس بسبب مصلحة نفسها بل لا بد ان يكون الداعى الى انشائها في النفس حيث تكون اختيارية شيئا آخر و الشاهد على ذلك هو الوجدان و البرهان اعنى لزوم الترجيح بلا مرجح اذا تعلق بشيء دون آخر مع انها قد نشأت عن مصلحة في نفسها و تفصيل الكلام موكول الى فنه.»^۲

۱. بدائع الافكار في الأصول، ص ۳۳۸.

۲. همان.



توضیح:

۱. مقدمه اول: حقیقت حکم عبارت است از إرادة تشریحیه که إرادة کننده آن را به نوعی اظهار می‌کند.
۲. حکم به سبب مصلحتی که در متعلق اوست متحقق می‌شود.
۳. مبادی حکم هم بخاطر مصالح خودشان موجود نمی‌شوند بلکه به سبب مصالح متعلق موجود می‌شوند.
۴. اگر چه ممکن است گاهی مبادی به خاطر مصالح خودشان موجود شوند ولی وقتی به عنوان مبادی هستند، به خاطر مصالح متعلق موجود شده‌اند.

ایشان سپس به مقدمه دوم اشاره کرده و می‌نویسد:

«الثانية: قد تقدم ان قيود متعلق الحكم على نحوين (احدهما) ما يوجب بوجوده في الخارج تحقق المصلحة في متعلق الحكم (و ثانيهما) ما تتوقف على وجوده في الخارج فعليه تلك المصلحة و ترتيبها على متعلق الحكم حين الاتيان به كالطهارة بالنسبة الى الصلاة و قد تقدم ايضا ان النحو الاول لا يعقل ان تتعلق به الارادة الغيرية و لا شيء من مبادئها دون النحو الثاني.»^۱

توضیح:

۱. مقدمه دوم: قيود متعلق حکم دو گونه‌اند:
۲. گاهی با پدید آمدن آن قيود، مصلحت در متعلق حکم حاصل می‌شود.
۳. و گاهی پدید آمدن آنها، مصلحت را به فعلیت می‌رساند (توجه به صفحه ۱۲۱ درس‌نامه)
۴. قيود نوع اول، اصلاً واجب نیستند.

